

تبیین اولویت‌های مؤثر بر افزایش مشارکت اجتماعی در توسعه معماری میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: گذر تاریخی محمدیه شهر قزوین)^۱

عباس ده‌باشی‌پور*: دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران.

abbasdashipour7@gmail.com

دکتر جمال‌الدین سهیلی: دکتری تخصصی معماری، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران.

Soheili@qiau.ac.ir

چکیده

رشد روزافزون جمعیت شهرنشین، گسترش افقی شهرها و فرسودگی بافت‌های شهری، سبب اتلاف سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و هدررفت زمین می‌شوند. امروزه توسعه معماری میان‌افزا به‌عنوان راهکاری جهت احیاء و پویایی بافت‌های شهری و صرفه‌جویی در سرمایه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در مسیر تحقق "توسعه معماری میان‌افزا"، شرکت ارادی و آگاهانه افراد تحت عنوان "مشارکت اجتماعی" در امور، بسیار تسهیل‌کننده است که می‌تواند در قالب مشارکت محلی و ساده سازی فرایند معماری بروز یابد. در این پژوهش با فرض بر همبستگی دو متغیر فوق، سعی بر آن است تا عوامل افزایش‌دهنده مشارکت اجتماعی در توسعه معماری میان‌افزا، ضمن تبیین، اولویت‌بندی شوند. بدان‌سبب که توسعه معماری میان‌افزا با در نظر داشتن تنوع فرم و ظاهر ابنیه، اختلاط کاربری‌ها و افزایش حس‌تعلق، به عنوان راهکارهای توسعه، به ایجاد اعتماد در مردم، کاهش تمرکزگرایی، مشارکت و حضور مؤثر افراد در تمامی مراحل کمک می‌نماید. پس از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، برای متغیرهای فوق؛ شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و برای هر مؤلفه، گویه‌هایی و سپس با توجه به گویه‌ها، پرسشنامه‌ای تدوین و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، پایایی پرسشنامه و در ادامه ضریب فریدمن برای تمامی مؤلفه‌های هر دو متغیر به صورت جداگانه محاسبه شد. با توجه به ماحصل تحقیق، جهت بهره‌مندی از مشارکت اجتماعی مردم در امور، لازم است آنان را مورد تشویق و توانمندسازی قرار داد. بنابر مطالب منتج از نمونه‌ی مورد مطالعه، شاخص کارکردی - عملکردی در متغیر توسعه معماری میان‌افزا به‌عنوان مؤثرترین عامل، مؤلفه وضعیت موجود محله (تأمین نیاز کاربران) در دومین رده و پس از آن گویه توجه به هویت تاریخی محل که میان هر دو متغیر مشترک بوده در سومین رده قرار داشته و پس از آن‌ها سایر گویه‌های مشترک میان دو متغیر، نظیر حس‌تعلق مؤثر بوده و عوامل دیگر در رتبه‌های بعدی قرار خواهند گرفت.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، توسعه معماری میان‌افزا، بافت تاریخی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی‌ارشد نویسنده اول (عباس ده‌باشی‌پور) با عنوان «طراحی مرکز تحقیق و آموزش طب سنتی ایرانی با هدف توسعه معماری میان‌افزا در جهت افزایش مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: گذر تاریخی محمدیه شهر قزوین)» می‌باشد، که در گروه مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین و تحت راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر سهیلی، به انجام رسیده است.

۱- مقدمه

بافت‌های قدیمی اکثر شهرها به مرور زمان، عملکرد گذشته خود را از دست داده، رو به اضمحلال گذارده و امروزه به‌عنوان بزرگترین معضل در شهرها مطرح هستند (پوراحمد و عبادی، ۱۳۷۹، ۹۳). از طرفی هزینه‌های گزاف حمل‌ونقل و خدمات شهری، اتلاف انرژی، تشدید جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، تخریب محیط زیست، عدم زیبایی و انسجام و عدم وحدت عناصر شهری، بی‌هویتی و ناپایداری در شهر از مهم‌ترین پیامدهای توزیع نامتناسب مراکز خدماتی و تأسیسات زیربنایی و تقسیم اراضی در حاشیه شهر به صورت پراکنده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۳).

به منظور به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود در شهر، لازم است از طریق پرکردن بافت موجود شهر و تغییر کاربری بناهای نامتناسب و آلوده‌کننده، به رشد و توسعه پایدار شهر دست یافت (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۸). اساساً طرح مباحث مربوط به ساختارهای جدید در محیط‌های قدیمی و تاریخی، با ظهور فن‌آوری و شهرسازی جدید در قرن نوزدهم میلادی هم‌زمان است (علی‌پور و خادمی، ۱۳۹۰، ۸۳). پس از جنگ جهانی دوم واکنش‌های شدیدی به رشد بی‌رویه و پراکنده شهرها آغاز شد و راهبرد توسعه درون‌زا برای مقابله با این مشکل شکل گرفت (شریفیان، ۱۳۸۹، ۲۵). بحث توسعه میان‌افزا نخستین بار در سال ۱۹۷۶ میلادی در کنفرانس هیئت در کانادا مطرح شد (ارجمندعباسی، ۱۳۸۷، ۲). مقوله مداخله در بافت‌های فرسوده شهری در ایران از زمانی آغاز می‌شود که قابلیت زندگی در بسیاری از بافت‌های مرکزی و میانی شهرها دچار نقصان گردید. در این میان مداخله در بهبود شرایط این نوع بافت‌های ناکارآمد صورت گرفت (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۱).

به عقیده لرنر^۱ فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت‌جو می‌باشد (مافی و نامور، ۱۳۹۵، ۴ و ۵). چهار شاخص اساسی این تئوری شامل: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و آگاهی اجتماعی است که هر یک دارای رابطه متعامل با یکدیگر می‌باشند (Cox, 2010).

مشارکت اجتماعی از حدود دو دهه پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال‌گذر، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی گردید (Vahida & Niazi, 2005, 119). مشارکت در کشور ما پدیده تازه‌ای نیست، اما تازه‌ترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهاست (علوی تبار، ۱۳۷۹، ۱۱ و ۹۳). امروزه با پیچیده شدن ساختارهای شهری، مشارکت شهروندان در امور شهرها دیگر یک انتخاب و حتی حق شهروندی نبوده، بلکه نیازی در اجرا و پیشبرد امور قلمداد می‌گردد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲۷).

در ادامه، پرسشی که پژوهش در راستای پاسخگویی به آن شکل گرفته و فرضیه مطرح شده، بیان می‌گردند. پرسش پژوهش: عوامل مؤثر توسعه معماری میان‌افزا در افزایش مشارکت اجتماعی، کدام عوامل هستند و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها چگونه است؟ فرضیه: این‌طور به نظر می‌رسد که برخی از عوامل توسعه معماری میان‌افزا نظیر هویت مکانی (به‌عنوان مؤثرترین عامل) و حس‌تعلق به کمک تحریک احساسات درونی افراد و جلب توجه و اعتماد آن‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی تأثیر بیشتری دارند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

فالکونر^۲ و فرانک^۳ در مقاله‌ای تحت عنوان «کفایت ظرفیت زیرساخت برای توسعه میان‌افزا»، به این نتیجه که، توسعه میان‌افزا، به سبب وجود زیرساخت‌ها، مطلوب‌تر از توسعه واقع در خارج از حاشیه شهری است، رسیده‌اند (Falconer & Frank, 1990).

اسناف^۴ در کتاب «روش‌های مشارکت جامعه در طراحی و برنامه‌ریزی»، بیان می‌دارد که، مشارکت یعنی همکاری همراه با کنترل شهروندان و سهم‌شدن در قدرت و در فرایند تهیه طرح‌ها. چراکه توانمندسازی اجتماعات، هدف غایی مشارکت است (Snaoff, 2000).

در میان محققان داخلی؛ آقای سعیدی‌رضوانی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان، «کاربرد اصول توسعه میان‌افزا در بهبود فضایی - عملکردی بافت‌های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران)»، به این نتیجه که، اراضی و نواحی درون شهرها، اراضی بایر و ساخته نشده، اراضی با کاربری صنعتی، اراضی با کیفیت بناهای تخریبی و متروکه، بناهای فاقد اسکلت و پایه، بافت‌های با تراکم پایین جمعیتی که دارای قدرت جذب جمعیت هستند، این فضاها را با اعمال تغییراتی می‌توان به‌منظور تأمین اهداف رویکرد توسعه درونی (میان‌افزا) مورد استفاده قرار داد، رسیده‌اند (سعیدی‌رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲).

آقای پورموسوی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار»، به این نتیجه که، در رویکرد میان‌افزا، پیشنهاد می‌شود که به‌جای زیرساخت و ساز بردن زمین‌های حاشیه‌ای شهرها، اراضی خالی مانده‌ی درون‌شهری هدف توسعه قرار گیرند، رسیده‌اند (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳).

آقای پوراحمد و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان، «بررسی عوامل و زمینه‌های موجود برای افزایش مشارکت مردمی در فرآیند احیای بافت فرسوده منطقه ۱۴ شهرداری تهران»، به این نتیجه که، مهمترین عوامل مؤثر در زمینه افزایش مشارکت مردمی، ارائه یک چشم‌انداز اقتصادی، اجتماعی و محیطی محله و منطقه بعد از فرآیند نوسازی به ساکنین می‌باشد، رسیده‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵).

خانم احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان، «بررسی تأثیرات مشارکت اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده‌ی شهری در ایران»، به این نتیجه که، از جمله دستاوردهای بومی‌گرایی و مشارکت ساکنان در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری می‌توان به آفرینش ویژگی‌هایی چون یادانگیزی، این‌همانی و حس‌تعلق خاطر، انعطاف‌پذیری، غنای حسی، هویت‌بخشی، امنیت، حس‌مکان و ارتقا خاطرهای جمعی اشاره کرد که در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده‌ی شهری نقش بسزایی دارد، رسیده‌اند (احمدی، ۱۳۹۶).

¹ Lerner
² Falconer
³ Frank
⁴ Snaoff

در این پژوهش علاوه بر بیان تعاریف و توضیحاتی پیرامون دو متغیر توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی، مؤلفه‌های دو متغیر را بیان و همبستگی میان آن‌ها را بررسی نموده و سپس مؤلفه‌ها را به ترتیب اثرگذاری در بافت تاریخی ارائه می‌نمائیم.

۱-۲- روش تحقیق

این تحقیق دارای متغیر مستقل توسعه معماری میان‌افزا و متغیر وابسته مشارکت اجتماعی می‌باشد. پس از تبیین شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و گویه‌ها برای متغیرهای فوق‌الذکر که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، اسناد، مقالات و ...) و بررسی کیفی و تحلیل نتایج حاصله و با استفاده از استدلال استنتاجی به دست آمده‌اند، با استفاده از روش تحقیق همبستگی، همبستگی میان متغیرها بررسی می‌شود.

نمونه مورد مطالعه: خانه‌ی فرهنگ محمدیه که در بافت تاریخی (تا حدودی فرسوده) خیابان (محل) محمدیه شهر قزوین قرار دارد و با هدف رونق دوباره منطقه و همراستا با اهداف میان‌افزایی در سال ۱۳۸۳ احداث شده و زیر نظر سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری فعالیت می‌کند. به عنوان نمونه موردی انتخاب شد و گفت‌وگوهایی با مدیریت، کارمندان و مربیان صورت گرفت. این مجموعه گاه‌ها در مناسبات و مراسم از مشارکت مردم بهره برده و همچنین فضاهای مکتبی را جهت حضور و گفت‌وگوی کاربران و کارمندان فراهم نموده‌است. پتانسیل‌های تاریخی و فرهنگی موجود در همجواری بنا (نظیر امامزاده‌زبیده‌خاتون(س) و ...) نیز در انتخاب نمونه تأثیرگذار بودند.

در ادامه تحقیق به این دلیل که به منظور به دست آوردن اطلاعات، از دیدگاه‌های جامعه آماری مورد نظر استفاده شده و نتایج حاصل از آن توصیفی است، از روش تحقیق پیمایشی استفاده می‌نمائیم. پس از انجام بررسی‌های میدانی و با توجه به گویه‌های بیان شده، به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای تدوین شد. مؤلفه‌های مبنای طراحی پرسشنامه قرار گرفته و پرسش‌ها بر طبق گویه‌ها تدوین شدند. به سبب تعدد گویه‌های هر مؤلفه، گویه‌ها را ادغام و به صورت ترکیبی، برای هر مؤلفه دو پرسش تدوین نمودیم. در واقع هر یک از سؤالات، شماری از گویه‌ها را مورد پرسش قرار می‌دهد. سؤالات روایی - محتوایی بوده و به صورت ساده، صریح، کوتاه، خوانا و قابل فهم طراحی شده و توسط کارشناسان بررسی و تأیید شده‌اند. پاسخ‌های این پژوهش به صورت بسته (چهارگزینه‌ای) طراحی شده‌اند.

ابتدا ۹ عدد پرسشنامه تکمیل و برای بررسی پایایی پرسشنامه، مورد بررسی قرار گرفت و سپس با توجه به این که تعداد مراجعه‌کنندگان به مجموعه در روزهای مختلف از ۳۰ تا ۱۰۰ نفر در روز متغیر می‌باشد، سقف تعداد مراجعه‌کنندگان (۱۰۰ نفر) در نظر گرفته شد و بنابر جدول مورگان نیاز به توزیع ۸۰ پرسشنامه وجود داشت، که ۹ عدد به منظور بررسی پایایی، ابتدا تکمیل شد. بنابراین نیاز به توزیع ۷۱ عدد پرسشنامه دیگر بود، که ۸ عدد از آن‌ها مخدوش شده و غیرقابل استفاده شدند. در نتیجه تعداد ۷۲ پرسشنامه تکمیل شده و مورد استفاده قرار گرفتند. پرسشنامه‌ها طی یک هفته (شنبه تا پنجشنبه) و در ساعات هشت صبح تا اذان مغرب (ساعات کار مجموعه) و به صورت تصادفی در میان جامعه آماری توزیع شد.

جامعه آماری: مراجعین شامل افراد گروه سنی ۵ تا ۶۵ - ۷۰ سال می‌باشند. کلاس‌ها و کارگاه‌ها ویژه بانوان، کودکان و نوجوانان بوده و آقایان از کتابخانه استفاده می‌نمایند. لازم به ذکر است پرسشنامه در میان مراجعین، والدین مراجعین، کارمندان و مربیان که در بازه‌ی سنی ۱۵ تا ۶۰ سال قرار داشتند توزیع شد. در ادامه با توجه به پرسشنامه‌های تکمیل شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ورژن ۲۲) اقدام به محاسبه‌ی ضریب پایایی پرسشنامه و آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های هر یک از دو متغیر و پرسش‌های برگرفته از گویه‌ها، به صورت جداگانه نموده و سپس نتایج حاصله را با استدلال استقرایی تحلیل و اولویت مؤلفه‌های هر دو متغیر را به صورت جداگانه بیان کرده و در قالب جدول و نمودار ارائه نموده و در انتها فرضیه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. از جمله جنبه نوآوری و جدید برای تحقیق می‌توان به تعیین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار توسعه معماری میان‌افزا بر مشارکت اجتماعی، اشاره نمود.



شکل ۱- محل قرارگیری خانه‌ی فرهنگ محمدیه (فضای مستطیل قرمز رنگ) و موقعیت همجواری‌های آن (URL1).

۲- مبانی نظری

۲-۱- توسعه معماری میان‌افزا

اینفیل^۱ (به مفهوم توسعه معماری میان‌افزا) عبارت است از توسعه یا توسعه مجدد زمین کنارگذاشته شده یا کم‌بهره در فرآیند توسعه‌های مداوم شهری (Christensen, 2005, 186). توسعه میان‌افزا به دنبال بهره‌برداری از زمین‌های خالی، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و توسعه مجدد و استفاده از ظرفیت‌های استفاده نشده زمین در شهر است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۷). دامنه برخورد با این موضوع، از برخوردهایی بسیار متعصبانه که معتقد به عدم تغییر کالبدی، حفاظت و بهسازی بناها است آغاز شده و تا مرحله تخریب و دوباره‌سازی پیش می‌رود (علی‌پور و خادمی، ۱۳۹۰، ۸۱).

^۱ Infill

رویگرد توسعه میان‌افزا چنانچه به‌صورت کاربردی و جامع در شهری مورد پژوهش قرار بگیرد و به‌اجرا درآید، بر سایر جوانب رشد و توسعه شهر تأثیرگذار خواهد بود و شهر را از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به سمت توسعه پایدار سوق خواهد داد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۵).

۱-۱-۲ برخی از اهداف و مزایای توسعه میان‌افزا

۱- باززنده‌سازی محله‌ها، ۲- افزایش پایه مالیاتی (ایجاد و یا احیای ارزش در ملک)، ۳- تخصیص کاربری کارآمد (Sendich, 2006, 456)، ۴- جلوگیری از خزش شهری، ۵- ارتقای الگوی توسعه فشرده، ۶- توسعه در قطعات خالی رها شده دارای خدمات زیرساختی (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۲)، ۷- حفظ فضاهای سبز و کیفیت بالای زندگی شهری (Breheny, 2006, 139)، ۸- کاهش فشار وارده بر زمین‌های کشاورزی اطراف شهر، ۹- کاهش زمان و هزینه سفرهای درون‌شهری، ۱۰- کاهش مصرف انرژی و آلودگی هوا، ۱۱- رشد هماهنگ کالبد شهر با از بین بردن گسستگی بافت‌ها، ۱۲- رونق اقتصادی محله‌های شهر با ایجاد کاربری‌های مختلط، ۱۳- امن نمودن اماکن (Washington Research council, 2001, 2).
توسعه میان‌افزا می‌تواند در ارتقای وضعیت کالبد محدوده مورد نظر، ارتقای سرزندگی و عملکرد محلات موجود تأثیرگذار باشد. این توسعه، همچنین به محافظت و نگهداری از اماکن و محلات تاریخی شهر نیز کمک می‌کند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۴).

۱-۱-۲ عوامل تأثیرگذار در انتخاب فضای میان‌افزا

زمین‌های خالی یا زمین‌هایی که برای مدت طولانی کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند (Falconer & Frank, 1990, 137). بافت‌ها و قطعاتی که از نظر دسترسی به کاربری‌های خدماتی شرایط مناسبی داشته باشند، محدودیت‌ها و حرایم را رعایت کنند، قابل تخریب و از نظر افزایش تراکم ساختمانی و استفاده شدیدتر مجاز باشند و همچنین دارای سطح و پتانسیل بالا از نظر مشارکت باشند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۳).

۱-۱-۲ ارتباط محل توسعه میان‌افزا با محیط پیرامونی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین مسائل، ارتباط توسعه با محیط بیرونی آن است، به‌ویژه اگر محیط بیرونی دارای هویت تاریخی و مشخصه‌های منحصربه‌فردی باشد. این دغدغه می‌تواند درخصوص؛ ۱- شخصیت واحد همسایگی، ۲- الگوها، ۳- ارتباطات (strategies for successful infill development, 2001, 27) و ۴- تهسیلات، تبلور یابد، اما راهبردهای دسترسی به توسعه میان‌افزا هم‌پیوند را می‌توان در حمل‌ونقل، مقیاس، توده‌گذاری و مفصل‌بندی جستجو نمود (Sendich, 2006, 457).

۱-۱-۲ مباحث کاربردی و مهم در توسعه میان‌افزا

۱- تراکم (مدیریت تراکم)، ۲- سهولت دسترسی، ۳- سهولت و رونق حمل‌ونقل، ۴- استفاده بهینه از زیرساخت‌ها، ۵- مسائل اجتماعی (شریفیان، ۱۳۸۹، ۴۹ و ۵۰)، ۳- پارکینگ (فضاهای خدماتی)، ۴- مسکن مناسب و تنوع گونه‌های مسکن برای اقشار مختلف اجتماعی (Northeast-Midwest & Congress the New Urbanism, 2001, 30&39)، ۸- کدهای طراحی (تهیه اسنادی جهت کنترل توسعه توسط ساختار کالبدی، ۱۰- طرح جامع، ۱۱- مشارکت عمومی، ۱۲- تجارب جهانی (توجه به توسعه پایدار، محیط زیست و ...) (میرمقتدایی و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۸-۴۹).

۱-۱-۵ شاخص‌هایی کلی در رابطه با توسعه میان‌افزا

۱) اجتماعی - اقتصادی: تحقق به‌واسطه ایجاد ساختارهایی نظیر؛ ۱- درگیر ساختن ساکنین در تمام شئون، ۲- اعلان عمومی شرایط قطعات درون‌فضایی، ۳- خلق مشارکت عمومی و خصوصی جهت مهیا کردن تسهیلات مالی و ... (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۱).
۲) کارکردی - عملکردی: تحقق به‌واسطه ایجاد ساختارهایی نظیر؛ ۱- کاهش و حذف سیمای عمومی پارکینگ، ۲- تعیین نواحی‌هایی که دارای پتانسیل‌های ذاتی توسعه میان‌افزایی هستند، ۳- ایجاد ارتباط واضح و روشن مابین فضاهای عمومی و خصوصی، ۴- ایجاد احساس امنیت و ایمنی با عناصر طراحی و ... (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۱).

۳) کالبدی - محیطی: تحقق به‌واسطه ایجاد ساختارهایی نظیر؛ ۱- به‌روزرسانی برنامه و طرح کلی و کدهای پهنه‌بندی، ۲- استفاده از برنامه‌ها و طرح‌های ویژه، ۳- توجه به گزارش‌های تأثیر محیطی در پروژه‌ها، ۴- بازسازی خانه‌های موجود به‌عنوان گزینه ترجیحی برای سازندگان و ... (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۱).

۱-۱-۶ راهکارهای توسعه میان‌افزا

ایجاد کاربری‌های مختلط، توجه به اتصالات ناحیه‌ای و شهری، تقویت هویت اجتماعی، توجه به شخصیت معماری محلی، ایجاد محرک‌های اقتصادی، صرفه‌جویی در زیرساخت‌ها (خاک‌زند و مختاری، ۱۳۹۴، ۸ و ۹)، انتقال کاربری‌های ناسازگار از درون شهر، استفاده از زمین‌های بایر، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و حاشیه‌نشین و ... (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۳).

۱-۱-۷ چالش‌ها و محدودیت‌ها توسعه معماری میان‌افزا

۱- مکانی (مکان‌گزینی)، ۲- توسعه‌ای (رفع موانع قانونی و جذب سرمایه‌گذاران)، ۳- عدم قطعیت در مورد زمان و هزینه، ۴- توجه به محیط زیست و کالبد پیرامون (میرمقتدایی و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۷).

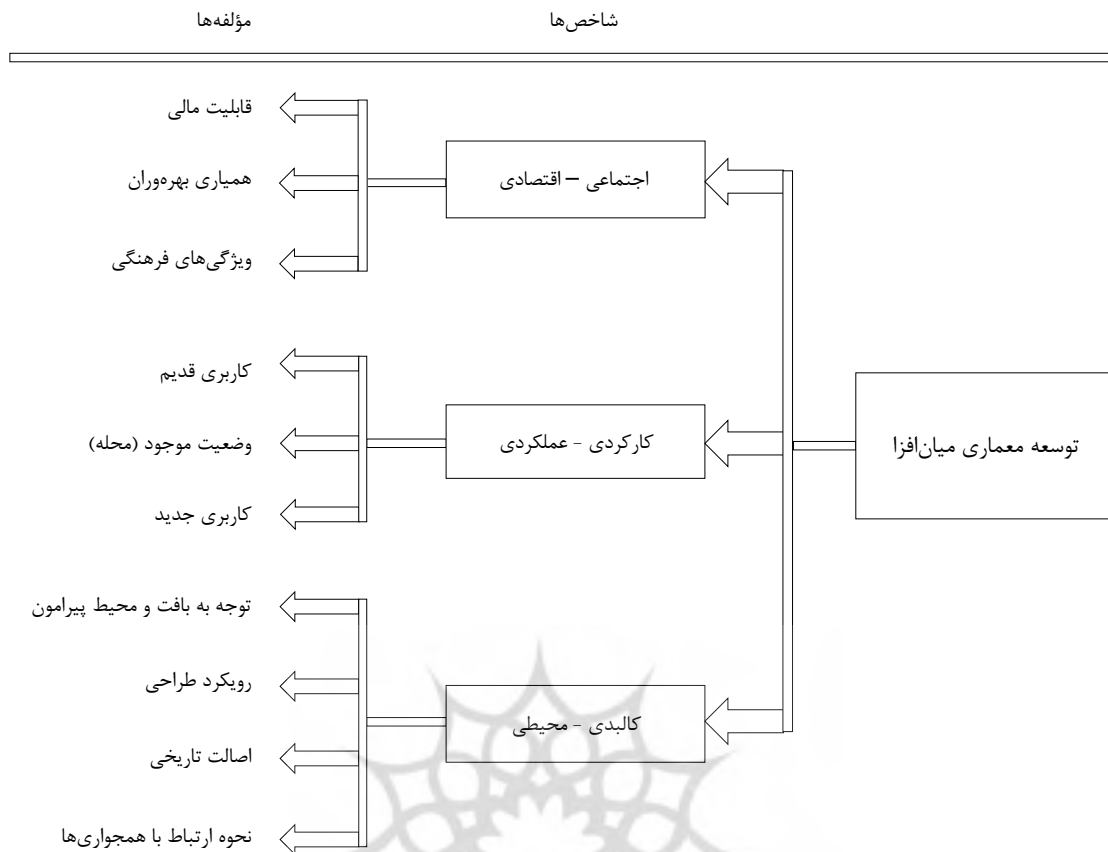
۱-۱-۸ راهبردهای رفع چالش‌ها

۱- تغییرات قانونی، ۲- تبیین استانداردها و خطوط راهنمای طراحی توسعه میان‌افزا، ۳- کاهش هزینه‌های جانبی، ۴- شکل‌گیری نظام مشارکت، ۵- تسهیل حمل و نقل پیاده و سواره (سعیدی‌رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۴ و ۱۶۵).

۱-۱-۹ نظریه‌های موجود پیرامون توسعه میان‌افزا

تئوری مرکز: در این تئوری، مراکز به‌عنوان سیستم‌های شناخته شده ویژه‌ای، در ایجاد «تحریک توسعه» مجموعه یا کلیت‌های وسیع‌تر بافت کهن به عنوان بخش‌های فطری و برجسته پدیدار می‌شود (Alexander, 1997, 87).

نظریه کل رشدیابنده (توسعه‌های میان‌افزا در بافت‌های تاریخی): کلید رهگشا در توسعه‌های میان‌افزا تفسیری از هم‌پیوندی برای زندگی امروز متناسب با اقتضای بافت تاریخی در جهت نیل به کلیت یکپارچه بافت تاریخی خواهد بود (قادریان ، ۱۳۹۶ ، ۱۰۲).



نمودار ۱- ارائه شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه معماری میان‌افزا، منتج از مبانی نظری (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

۲-۲- مشارکت اجتماعی

۲-۲-۱- مشارکت

مشارکت‌جویی نوعی احساس رضایت نسبت به خود و پیرامون در افراد ایجاد کرده و در نتیجه میزان نشاط و شادی را در سطح جامعه بالا می‌برد (چلیبی، ۱۳۸۸، ۶). امروزه با پیچیده شدن ساختارهای شهری، مشارکت شهروندان در امور شهرها دیگر یک انتخاب و حتی حق شهروندی نبوده، بلکه نیازی در اجرا و پیشبرد امور قلمداد می‌گردد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲۷). مداخله اجتماعی مفاهیم و روش‌های چندرشته‌ای و مشارکتی را در بر می‌گیرد که در زمینه‌های مختلف به فرآیندهای اجتماعی توانمندسازی، که یکی از الگوهای مداخله در جامعه معاصر است، کمک می‌کند (Corrêa Cavalieri & Almeida , 2018 : 189). مراحل فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی مقولاتی را در بر می‌گیرد مانند: زمینه، افراد مشارکت‌کننده، سطح مشارکت و زمان مشارکت (Sanoff , 2000 , 93).

۲-۲-۲- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی فرایند عمومی، یکپارچه و چندبعدی که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه بوده (پاتریک ، ۱۳۷۴ ، ۱۱۹) و شامل مهیا کردن منابع محلی و حمایت از داده‌های درونی برای ایجاد کارایی بالاتر است (lowe et al , 1999 , 12).

۲-۲-۳- سطوح مشارکت اجتماعی

۱- ذهنی (تمایل)، ۲- عینی (رفتار مشارکت اجتماعی) و ۳- روحیه مشارکتی (درگیر شدن در مشارکت) (گلایبی و اخشی ، ۱۳۹۴ ، ۱۴۹).

۲-۲-۴- معیارهای فضاهای مشارکتی

۱- حس‌تعلق به مکان دست‌ساز انسانی، ۲- مبدل نمودن عینیت به ذهنیت در کالبد انسان‌ساخت (عبدالله‌پور و سهیلی ، ۱۳۹۶ ، ۷۳)، ۳- ایجاد سرزندگی در مکان (Pourabdol & Partners , 2016 , 22-38). می‌توان ایجاد فعالیت‌های متنوع اجتماعی و امکانات رفاهی و سرگرمی را از مهمترین عوامل بازگشت سرزندگی به فضای محله‌ها دانست (عظمتی و همکاران ، ۱۳۹۵ ، ۱۳).

مشارکت‌هایی که به جای تعقیب اهداف و منافع شخصی به دنبال تأمین منافع جمعی باشند سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند (قندهاری ، ۱۳۹۷ ، ۵). سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات را شامل شده (Fukuyama , 2002 , 23) و درسه سطح خرد، میانی و کلان بررسی می‌شود.

سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام دارای سه مؤلفه‌ی اصلی هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت است که هر کدام دارای شاخص‌های خاص خود هستند (گیدنز ، ۱۳۹۰ ، ۳۷). ۱- مشارکت: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی جهت دستیابی به هدف‌های گروهی و شراکت در مسئولیت کار (علوی‌تبار ،

۱۳۷۹، ۱۵). ۲- اعتماد: «چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند» (فیروزآبادی و ایمانی‌جارجی، ۱۳۸۵، ۹۸). ۳- هنجار: یک هنجار در واقع یکی از معیارهای تثبیت شده‌ی آن چیزی است که گروه با توجه به فرهنگ از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد (کوئن، ۱۳۷۰، ۴۷).

۲-۲-۵ سایر تعاریف مرتبط با مشارکت اجتماعی

۱- همبستگی اجتماعی (انسجام): ویلکینسون انسجام اجتماعی را ماهیت اجتماعی زندگی عمومی می‌داند، که تحت سلطه مشارکت مردم در زندگی اجتماعی، اخلاقی، و انسانی حیات جامعه است نه اسیر دست ارزش‌ها و معاملات بازار و مردم برای تعقیب و کمک به اهداف اجتماعی گسترده‌تر و مشترک به یکدیگر می‌پیوندند (وینسترا، ۱۳۸۴، ۶۲۱).

۲- بسیج اجتماعی: فرآیند پویا به معنای سازماندهی مردم ساکن در یک اجتماع همانند، برای دستیابی به اهداف ویژه با فرض دارا بودن قالبیت رسیدن به هدف (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۲۸).

۳- بومی‌گرایی: در بومی‌گرایی باید از امکانات و عوامل محلی هر منطقه، برای توسعه‌ی آن منطقه استفاده نمود (هویت‌خواهی) (احمدی، ۱۳۹۶، ۱۳).

۲-۲-۶ راه‌حل افزایش مشارکت اجتماعی

اجتماع محلی، مناسب‌ترین بستر برای دستیابی به توسعه پایدار شهری است. چرا که روابط بوم‌شناسانه با تجارب جمع و تحت میثاق اجتماعی و تعهدات اخلاقی اعضا ارج گذاشته خواهد شد و شیوه معیشت و بهبود سطح زندگی، هماهنگ با ظرفیت‌های محیط و با دلسوزی نسبت به یکدیگر و نسل‌های آینده برگزیده خواهد شد (صرافی، ۱۳۷۹، ۱۳۷).

۲-۲-۷ عوامل مورد توجه به منظور افزایش مشارکت اجتماعی

حس تعلق مکانی: مقصود از مکان، جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی شدنی که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱، ۳۰). مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند، به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی، حس مکان نامیده می‌شود (Semken & Freeman, 2008, 11043).

هویت و مشارکت‌پذیری: اهمیت بحث هویت مکان از آن جا ناشی می‌شود که انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود. تعلق خاطر در این میان، ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلق رهایی بخشد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ۱۱۴).

آلدوروسی نخستین کسی است که مفهوم خاطره جمعی را وارد ادبیات معماری و شهرسازی نمود (Rossi, 1982, 128). از دیدگاه پی - فوتوان خاطره جمعی رابطه تنگاتنگی با هویت شخصی و هویت مکانی دارد، که ایجاد هویت مکانی نیز خود موجب ارتقای حس مکان خواهد شد (گلکار، ۱۳۷۸، ۳۷). نتیجه حفظ و ارتقای هویت اساساً باعث افزایش حس تعلق به مکان و افزایش مشارکت‌پذیری افراد می‌شود، که در نتیجه در ابعاد مختلف احیاء می‌تواند مؤثر باشد. از جمله؛ ایجاد تمایل به سرمایه‌گذاری، افزایش روحیه مشارکت‌پذیری، تلاش برای پاکیزه نگه‌داشتن محیط و ... (حجت، ۱۳۸۴، ۵۷).



نمودار ۲- فرایند ارتقای هویت از طریق احیای خاطرات مشترک ذهنیت‌های اصیل (پرویزی و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۰).

۲-۲-۸ راهکارهای تقویت تعامل و مشارکت اجتماعی (در مجموعه‌های طراحی شده)

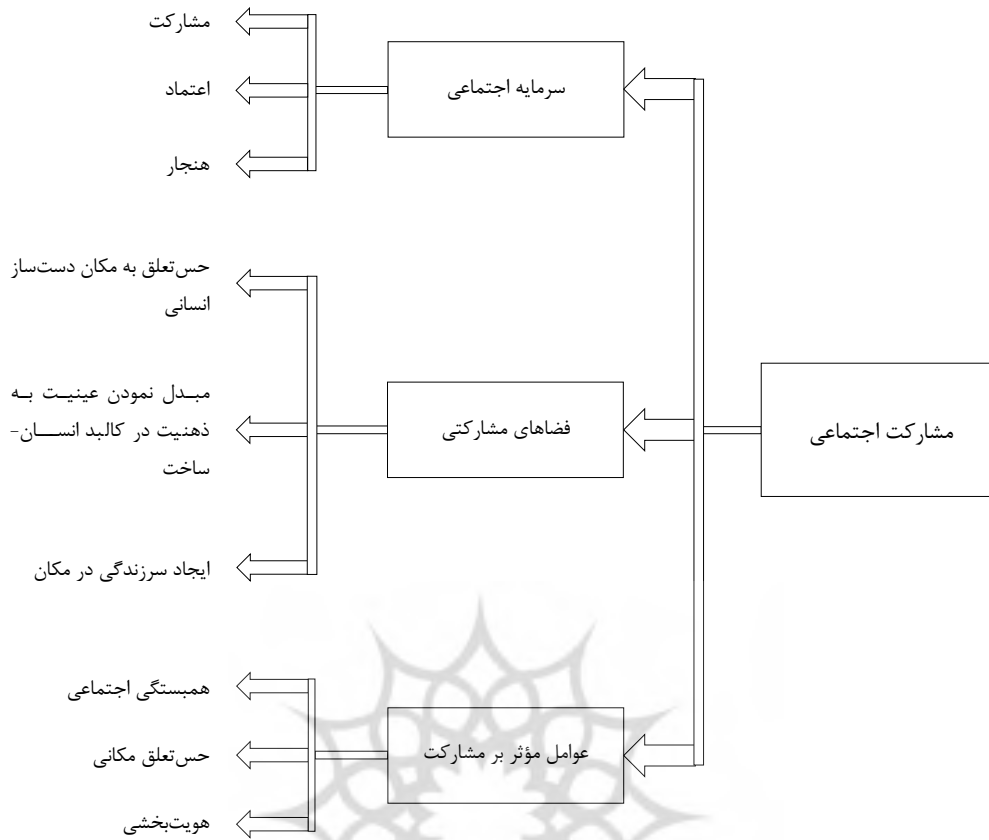
۱- مقیاس انسانی، ۲- نفوذپذیری بصری، ۳- تأمین امکانات جمعی و فردی، ۴- قرار دادن امکاناتی همچون نیمکت (فضای مکث)، ۵- تداوم بصری فضاها، ۶- قرارگیری در فضاهای پررفت‌وآمد و میدانی، ۷- اختلاط فضاهای طبیعی و مصنوع، ۸- دسترسی آسان به کل مجموعه از طریق پیاده‌روها، ۹- نفوذپذیری در بنا، ۱۰- تنوع، ۱۱- ایجاد هویت و حس مکان، ۱۲- ایجاد خاطرات جمعی، ۱۳- امکان استفاده برای تمام اقشار، ۱۵- عملکرد شبانه‌روزی (شم‌توب و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۰). اغلب موارد فوق‌الذکر با راهکارهای توسعه معماری میان‌افزا که پیش از این ذکر شد، مشترک می‌باشند.

۲-۲-۹ محدودیت‌ها و موانع

الف) بنیادین: (مقاصد اولیه شیء یا سیستمی که طراحی می‌شود)، ب) عملی: (تولید، ساخت و بنا کردن طرح)، ج) شکلی: (نظم و ساختار)، د) نمادین: (ویژگی‌های نمادین طراحی) (علی‌الحسینی و یوسف‌زمانی، ۱۳۸۹، ۳۷).

مؤلفه‌ها

شاخص‌ها



نمودار ۳- ارائه شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی ، منتج از مبانی نظری (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

۳- یافته‌ها

در این قسمت با توجه به مطالعات انجام شده ، برای هر یک از شاخص‌های دو متغیر توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی که در بخش قبلی به صورت نمودار ارائه شدند ، مؤلفه‌ها و برای هر مؤلفه زیر مؤلفه (گویه‌هایی) تدوین می‌شوند. سپس جداول تجمیع و تبیین شاخص‌ها ، مؤلفه‌ها و گویه‌های هر دو متغیر ، جداگانه ارائه می‌گردند. سپس در جدولی دیگر همبستگی شاخص‌های دو متغیر بررسی شده و گویه‌های مشترک مشخص می‌گردند.

۳-۱- جداول تجمیع و تبیین شاخص‌ها ، مؤلفه‌ها و گویه‌ها

جدول ۱- شاخص‌ها ، مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیر توسعه معماری میان‌افزا (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

توسعه معماری میان‌افزا		
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
اجتماعی - اقتصادی	قابلیت مالی	۱- صرفه‌جویی در زیرساخت‌ها. ۲- رونق دادن به بافت‌های متروک شهری. ۳- کسب درآمد. ۴- استمداد از سرمایه‌گذاران محلی. ۵- ایجاد محرک‌های اقتصادی. ۶- جذب توریست ، گردشگر و ...
	همیاری بهره‌وران	۱- توجه و تقویت هویت محل. ۲- استفاده از ایده‌ها و نظرات ساکنین محلات. ۳- افزایش تعاملات اجتماعی. ۴- افزایش احساس امنیت به‌وسیله عناصر طراحی ، افزایش تعاملات و آمدوشد در محل. ۵- حضور اقشار مختلف جامعه در محل. ۶- تقویت فعالیت‌های اجتماعی. ۷- افزایش حس تعلق با توجه به افزایش مشارکت عمومی. ۸- بهره‌گیری از مشارکت مردم. ۹- رونق تعاملات اجتماعی در جوامع و محلات درحال انحطاط و ...
کارکردی-عملکردی	ویژگی‌های فرهنگی	۱- احترام و توجه به ویژگی‌های فرهنگی سکنه. ۲- ارتقا فرهنگ‌های مطلوب موجود. ۳- ایجاد و ترویج فرهنگ‌ها و ارزش‌های مناسب. ۴- فرهنگ مشارکت و ...
	کاربری قدیم	۱- روح مکان. ۲- استحکام و مقاومت بنا. ۳- ارتباط کاربران با بنا در گذشته. ۴- توجه به زیرساخت‌ها. ۵- توجه به طرح جامع. ۶- میزان نفوذپذیری. ۷- وجود یا عدم وجود اراضی قهوه‌ای و ...
کارکردی-عملکردی	وضعیت موجود (محل)	۱- توجه به کاربری‌ها و امکانات موجود و عدم موازی‌کاری. ۲- ایجاد فعالیتی مکمل کاربری‌های موجود و ...
	کاربری جدید	۱- رفع نیازهای کاربران. ۲- هماهنگی کاربری با بافت پیرامون. ۳- توجه به عملکرد و پرهیز از مجسمه‌سازی. ۴- ایجاد کاربری‌های مختلط و ...

کالبدی - محیطی	توجه به بافت و محیط پیرامون	۱- تعیین نواحی دارای پتانسیل‌های ذاتی توسعه میان‌افزا با در نظر گرفتن معیارهای بافت فرسوده ، تراکم جمعیت ، اندازه قطعات ، دانه‌بندی و ... ۲- میزان فرسودگی بافت. ۳- احترام به شخصیت معماری محله. ۳- شرایط اقلیمی. ۴- توجه به محیط زیست. ۵- ایجاد همسایگی سالم ، پایدار و ...
رویکرد طراحی		۱- هماهنگی کالبدی با بافت پیرامون. ۲- خلق فضاهای جدید. ۳- بهره‌گیری از تجارب جهانی. ۴- انجام اقداماتی نظیر بازسازی و مرمت. ۵- افزایش زیبایی‌های بصری نظیر پوشش مناسب پارکینگ. ۶- تنوع فعالیت. ۷- تنوع قیمت املاک و اراضی. ۸- انعطاف‌پذیری. ۹- افزایش کیفیت محیطی و ...
اصالت تاریخی		۱- قدمت تاریخی بافت. ۲- توجه به هویت تاریخی. ۳- جلوگیری از بی‌توجهی و تخریب بناها ، آثار باستانی و ...
نحوه ارتباط با همجواری‌ها		۱- اتصال ناحیه‌های و شهری. ۲- سهولت حمل‌ونقل و تردد در محدوده و ...

جدول ۲- شاخص‌ها ، مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیر مشارکت اجتماعی (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

مشارکت اجتماعی		
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
سرمایه اجتماعی	مشارکت	۱- همبستگی اجتماعی. ۲- وجود تعلق جمعی. ۳- تعهدات فرهنگی و اجتماعی. ۴- وجود آگاهی ، اراده و رغبت در انجام فعالیت. ۵- انعطاف‌پذیری. ۶- غنای حسی. ۷- ارتقاء ابتکار شخصی. ۸- افزایش سطح همکاری اجتماعی. ۹- بهره‌گیری از دارائی‌های اقتصادی. ۱۰- رضایتمندی. ۱۱- ایجاد و توجه به فضاهای همسایگی. ۱۲- تأثیرات موقعیت و زمان در انجام فعالیت‌ها. ۱۳- تأمین منافع جمعی. ۱۴- تأمین نیازهای اولیه و ...
	اعتماد	۱- امنیت. ۲- افزایش تعامل اجتماعی. ۳- افزایش معاشرت و آگاهی اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر. ۴- اطمینان اثرگذاری مشارکت و ...
	هنجار	۱- فرهنگ مشارکت. ۲- ارزش‌های موجود در جامعه ، نظیر وظیفه شناسی. ۳- نحوه رفتارها و تعاملات. ۴- رفتارشناسی بهره‌بردار از سوی طراح به هنگام مشارکت. ۵- بهره‌وری و توسعه پایدار. ۶- بستر مناسب وقوع مشارکت و ...
فضاهای مشارکتی	حس تعلق به مکان دست‌ساز انسانی	۱- نیاز به خودکشفیابی و دیده شدن در انسان. ۲- آگاهی به نیازهای خود و سعی در تأمین آن‌ها. ۳- تأمین شایستگی‌های محیط. ۴- ایجاد و افزایش حس تعلق خاطر و ...
	مبدل نمودن عینیت به ذهنیت در کالبد انسان‌ساخت	۱- توجه به ابعاد ذهنی در پژوهش‌های اجتماعی. ۲- ارتقاء فضای زندگی به بالاترین کیفیت براساس نیازهای خود. ۳- زیبایی‌شناسی. ۴- کیفیت محیط انسانی. ۵- ایجاد انگیزش در مکان برای ترغیب و نهادینه‌سازی حس تعلق به مکان و ...
	ایجاد سرزندگی در مکان	۱- افزایش انرژی و نیرو. ۲- انعطاف‌پذیری. ۳- تغییرپذیری. ۴- افزایش کیفیات محیطی. ۵- خلق مکان. ۶- قابلیت‌بخشی. ۷- فرصت‌آفرینی. ۸- ایجاد احساسات متفاوت به سبب ارتباط با مکان‌های متنوع. ۹- رفع نیازهای بهره‌بران و ...
عوامل مؤثر بر مشارکت	همبستگی اجتماعی	۱- انسجام اجتماعی و میزان استحکام روابط. ۲- ارتقاء کیفیت زندگی شهری. ۳- توجه به مقیاس انسانی و توانایی‌های انسان. ۴- تأمین امکانات جمعی و فردی. ۵- ایجاد تنوع و امکان انتخاب نحوه مشارکت. ۶- استقبال و استفاده از ایده‌ها و نظرات مطلوب. ۷- رعایت عدالت شهری و ...
	حس تعلق مکانی	۱- تعلق خاطر. ۲- ادراک ذهنی مردم از محیط. ۳- تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص. ۴- احساس راحتی. ۵- حمایت از فرهنگ. ۶- یادآوری تجارب گذشته. ۷- برنامه‌ریزی کالبدی. ۸- مناسب‌سازی محلات و ...
	هویت‌بخشی	۱- توجه به هویت تاریخی و تقویت آن. ۲- توجه به هویت جمعی. ۳- بومی‌گرایی. ۴- استفاده از منابع و پتانسیل‌های هر منطقه برای ساکنان آن منطقه. ۵- یادآنگیزی. ۶- خاطره جمعی. ۷- ایجاد تمایل به سرمایه‌گذاری. ۸- افزایش روحیه مشارکت‌پذیری. ۹- توجه به محیط و ...

۲-۳- همبستگی دو متغیر توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی

عدم استقبال ساکنان محل، از موانع اجرای توسعه میان‌افزا است. برای بهره‌مندی از مشارکت اجتماعی مردم و رسیدن به شهری پایدار و ایجاد بستر مزبور، لازم است آنان را مورد تشویق ، حمایت و توانمندسازی قرار داد(پورا احمد و اکبرنژادبایی، ۱۳۹۰، ۱۰۱). حفظ و ارتقای هویت اساسا باعث افزایش حس تعلق به مکان و افزایش مشارکت‌پذیری افراد می‌شود ، که در نتیجه در ابعاد مختلف احیاء می‌تواند موثر باشد. از جمله ایجاد تمایل به سرمایه‌گذاری ، افزایش روحیه مشارکت‌پذیری، تلاش برای پاکیزه نگه‌داشتن محیط و ... لازم به ذکر می‌باشد برخی معتقدند آن چه اثری را در نگاه عموم با هویت یا بدون هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است(حجت ، ۱۳۸۴ ، ۵۷).

جدول ۳- ارائه همبستگی شاخص‌ها و مؤلفه‌های دو متغیر توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی ، منتج از مبانی نظری (پس از بررسی ، تنها گویه‌هایی که در هر دو متغیر مشترک بودند ، عنوان شده‌اند) (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

مشارکت اجتماعی			
سرمایه اجتماعی	فضاهای مشارکتی	عوامل مؤثر بر مشارکت	شاخص‌ها

مؤلفه‌ها	هویت- بخشی	حس- تعلق مکانی	همبستگی اجتماعی	ایجاد سرزندگی در مکان	مبدل نمودن عینیت به ذهنیت در کالبد- انسان- ساخت	حس- تعلق به مکان دست- ساز انسانی	هنجار	اعتماد	مشارکت	قابلیت مالی	اجتماعی - اقتصادی	توسعه معماری میان‌افزا	
گویه‌های مشترک	-	-	-	-	-	-	-	-	-	همکاری بهره‌وران	اجتماعی - اقتصادی		
	توجه و تقویت هویت	حس- تعلق	-	-	-	-	-	-	فرهنگ مشارکت	ویژگی‌های فرهنگی			
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	کاربری قدیم	کارکردی - عملکردی		
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	وضعیت موجود (محل)			
	-	-	رفوع نیازهای سکنه	-	-	-	-	-	-	کاربری جدید	توجه به بافت و محیط پیرامون		
	محیط زیست	-	-	-	-	-	-	-	همسایگی	توجه به بافت و محیط پیرامون			
	-	-	-	انعطاف- پذیری ، افزایش کیفیت محیط	-	-	-	-	-	رویکرد طراحی			کالبدی - محیطی
	توجه به هویت تاریخی محل	-	-	-	-	-	-	-	-	اصالت تاریخی			
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	نحوه ارتباط با همجواری- ها			
	گویه‌های مشترک									مؤلفه‌ها	شاخص‌ها		

۴- تحلیل یافته‌ها

در ادامه با توجه به پرسشنامه‌های تکمیل شده ضریب پایایی پرسشنامه بیان می‌گردد و سپس ضریب فریدمن برای مؤلفه‌های هر دو متغیر و پرسش‌ها به صورت جداگانه محاسبه شده و ترتیب اولویت اثرگذاری مؤلفه‌ها ارائه خواهد شد.

۴-۱- محاسبات پایایی

آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه به کار می‌رود. اگر میزان ضریب آلفای به دست آمده کمتر از ۰.۵ باشد نشان از عدم پایایی و نامناسب بودن پرسشنامه دارد. حال آن‌که اگر میزان ضریب به دست آمده بین ۰.۵ تا ۰.۷ باشد نشان از قابل قبول بودن پرسشنامه و اگر بیش از ۰.۷ باشد نشان از مناسب و استاندارد بودن پرسشنامه دارد. لازم به ذکر است با توجه به این‌که آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه، توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی جداگانه محاسبه شده است، تعداد پرسشنامه‌های در نظر گرفته شده جهت محاسبه آلفای کرونباخ برای هر یک از موارد فوق، عدد متفاوتی می‌باشد.

جدول ۴- تعداد پرسشنامه‌ها جهت محاسبه آلفای کرونباخ کل پرسشنامه به تفکیک (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مورد ^۱	تعداد پرسشنامه‌های باقی‌مانده - معتبر ^۲	تعداد (N)	درصد (%)
موارد ^۱	تعداد پرسشنامه‌های باقی‌مانده - معتبر ^۲	63	87.5
	تعداد پرسشنامه‌های بررسی شده جهت محاسبه آلفای کرونباخ - محروم ^۳	9	12.5

¹ Cases
² Valid
³ Excluded

مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده ^۱	72	100.0
---	----	-------

جدول ۵- آلفای کرونباخ کل پرسشنامه (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

تعداد کل پرسش‌های موجود در پرسشنامه ^۲	آلفای کرونباخ ^۳
45	.944

با توجه به جداول ۴ و ۵ ، میزان ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مجموع سؤالات پرسشنامه برابر با ۰.۹۴۴ می‌باشد که این موضوع نشان از مناسب بودن پرسشنامه تدوین شده دارد.

جدول ۶- تعداد پرسشنامه‌ها جهت محاسبه آلفای کرونباخ متغیر توسعه معماری میان‌افزا به تفکیک (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

درصد	تعداد	مورد
90.3	65	تعداد پرسشنامه‌های باقی‌مانده - معتبر
9.7	7	تعداد پرسشنامه‌های بررسی شده جهت محاسبه آلفای کرونباخ توسعه معماری میان‌افزا - محروم
100.0	72	مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده

جدول ۷- آلفای کرونباخ متغیر توسعه معماری میان‌افزا (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

تعداد پرسش‌های متغیر توسعه معماری میان‌افزا	آلفای کرونباخ
20	.914

با توجه به جداول ۶ و ۷ ، میزان ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر توسعه معماری میان‌افزا برابر با ۰.۹۱۴ می‌باشد که این موضوع نشان از مناسب بودن سؤالات مطرح شده برای متغیر توسعه معماری میان‌افزا می‌باشد.

جدول ۸- تعداد پرسشنامه‌ها جهت محاسبه آلفای کرونباخ متغیر مشارکت اجتماعی به تفکیک (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

درصد	تعداد	مورد
94.4	68	تعداد پرسشنامه‌های باقی‌مانده - معتبر
5.6	4	تعداد پرسشنامه‌های بررسی شده جهت محاسبه آلفای کرونباخ مشارکت اجتماعی - محروم
100.0	72	مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده

جدول ۹- آلفای کرونباخ متغیر مشارکت اجتماعی (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

تعداد پرسش‌های متغیر مشارکت اجتماعی	آلفای کرونباخ
18	.917

با توجه به جداول ۸ و ۹ ، میزان ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیر مشارکت اجتماعی ۰.۹۱۷ می‌باشد که این موضوع نیز نشان‌دهنده آن است که سؤالات مطرح شده در زمینه مشارکت اجتماعی ، استاندارد هستند.

۲-۴- آزمون فریدمن

در این قسمت ، به‌منظور سنجش اولویت مؤلفه‌ها ، آزمون فریدمن برای هر دو متغیر توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی ، به‌صورت جداگانه ، محاسبه می‌شود.

جدول ۱۰- ضرایب فریدمن برای متغیر توسعه معماری میان‌افزا (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

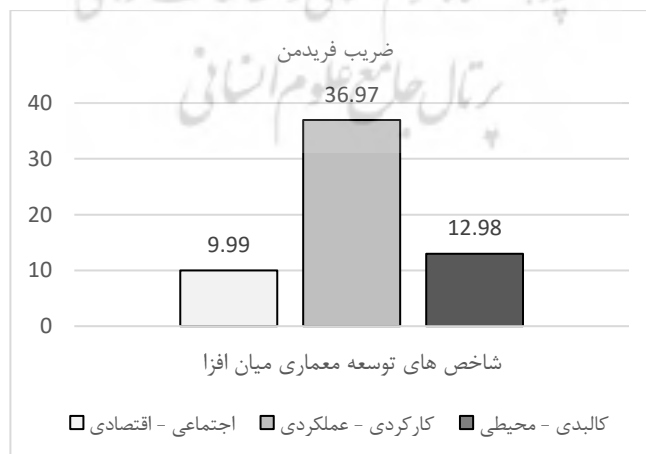
ابعاد	مؤلفه	پرسش‌ها (تنظیم شده براساس گویه‌ها)	میانگین رتبه	میانگین هر مؤلفه	میانگین شاخص
اجتماعی - اقتصادی	قابلیت مالی	به چه میزان تأسیس این مجموعه توانسته است به رونق اقتصادی محله کمک نماید؟	۹.۳۲	۹.۱۸۵	۹.۹۹
		به چه میزان افرادی که به این مجموعه مراجعه می‌کنند در رونق اقتصادی محله تأثیر مثبت دارند؟	9.05		
	همیاری بهره‌وران	به چه میزان در راستای ساخت مجموعه و ارتقاء کیفیت محله از نظرات و مشارکت مردمی استفاده شده است؟	11.86	۱۱.۳۷۵	
		در طی فرآیندهای احداث و بهره‌وری از مجموعه به چه میزان افزایش تعاملات اجتماعی را در محل احساس می‌کنید؟	10.89		
ویژگی فرهنگی	پس از تأسیس این بنا ، به چه میزان آداب و رسوم موجود در محله شبیه به آداب و رسوم گذشته است؟	10.26	۹.۴۳۵		

¹ Total

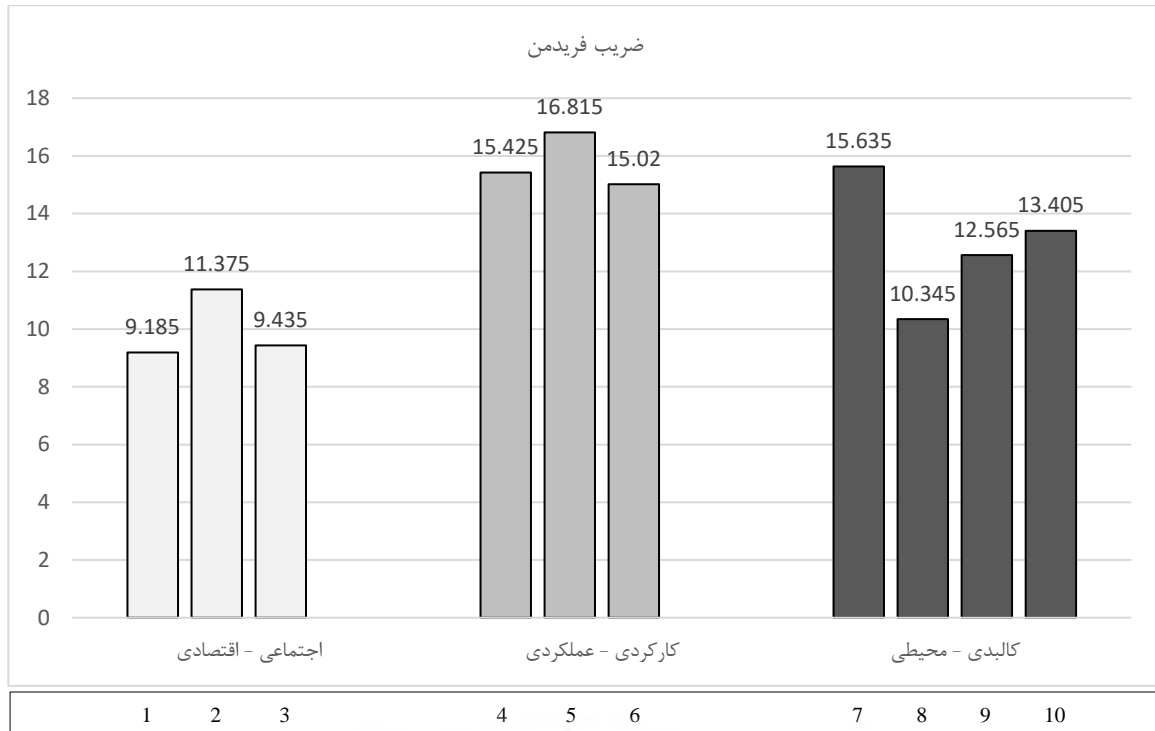
² Cronbach's Alpha

³ N of Items

		8.61	به چه میزان حضور مجموعه به مرادده فرهنگی با سایر اقشار و افراد جامعه کمک نموده است؟		
۳۶.۹۷	۱۵.۴۲۵	10.22	به چه میزان کاربری‌های همجوار این مجموعه که از گذشته باقی مانده‌اند ، هنوز عملکرد لازم را دارند؟	کاربری قدیم	کارکردی - عملکردی
		10.41	به چه میزان روح و فضای کاربری قدیم را در محیط جدید احساس می‌نمایید؟		
	۱۶.۸۱۵	9.84	به چه میزان وضعیت فعلی مجموعه مکمل سایر امکانات در دسترس شما است؟	وضعیت موجود (محل)	
		13.95	به چه میزان در برنامه‌های متفرقه ، کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی مجموعه شرکت می‌نمایید؟		
	۱۵.۰۲	9.35	به چه میزان خواهان حفظ شرایط موجود هستید؟	کاربری جدید	
		11.34	به چه میزان وجود امکانات مختلف رفاهی ، ورزشی ، خدماتی و ... با تأسیس این مجموعه در محله افزایش یافته است؟		
۱۲.۹۸	۱۵.۶۳۵	9.84	به چه میزان بنای مجموعه در طراحی و ناماسازی با بافت و محیط پیرامون خود هماهنگی دارد؟	توجه به بافت و محیط پیرامون	کالبدی - محیطی
		11.59	به چه میزان تأسیس این مجموعه منجر به افزایش تعاملات ، میان کاربری‌های موجود در همسایگی بنا ، نظیر امامزاده-زبیده‌خاتون(س) شده است؟		
	۱۰.۳۴۵	10.66	به چه میزان در طراحی این مجموعه به ارتقاء کیفی محله توجه شده است؟	رویکرد طراحی	
		10.03	به چه میزان فضاهای موجود در مجموعه قابلیت انعطاف‌پذیری و برطرف نمودن نیازهای متنوع را دارا می‌باشند؟		
	۱۲.۵۶۵	12.82	به چه میزان نماهای طراحی شده در این محله شما را به یاد نماهای قدیمی می‌اندازد؟	اصالت تاریخی	
		12.31	از بهره‌برداری از مجموعه ، چه میزان تلاش‌ها در راستای احیا ، مرمت و بازسازی بناها و بافت‌های تاریخی محل افزایش یافته است؟		
	۱۳.۴۰۵	9.16	به چه میزان در مکان‌یابی مجموعه به همجواری‌ها و شاخصه‌های ارتباطی محل توجه شده است؟	نحوه ارتباط با همجواری‌ها	
		8.49	به چه میزان مجموعه از شرایط ارتباطی مناسب ، وسائط نقلیه مکفی و به طور خلاصه سهولت در تردد بهره‌مند می‌باشد؟		



نمودار ۴- رتبه‌بندی شاخص‌های متغیر توسعه معماری میان افزا براساس ضرایب فریدمن (نگارندگان ، ۱۳۹۸).



جدول راهتما نمودار (نام مؤلفه‌های هر شاخص یا توجه به شماره‌های درج شده در پائین آن‌ها)

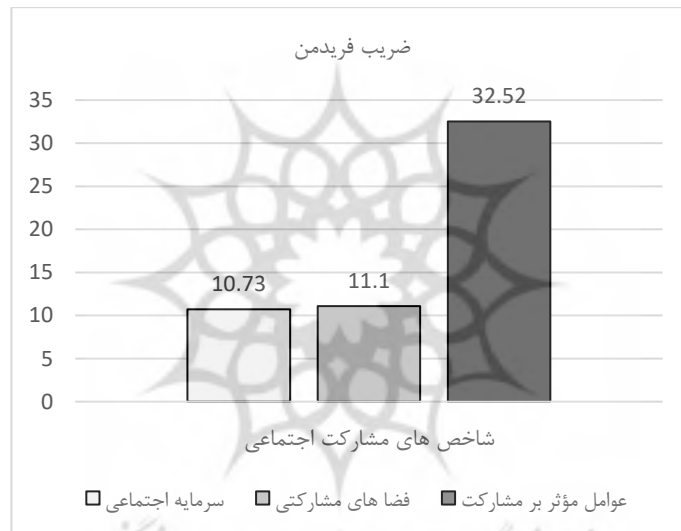
۱- قابلیت مالی	۳- ویژگی فرهنگی	۵- وضعیت موجود (محل)	۷- توجه به بافت و محیط پیرامون	۹- اصالت تاریخی
۲- همیاری بهره‌وران	۴- کاربری قدیم	۶- کاربری جدید	۸- رویکرد طراحی	۱۰- نحوه ارتباط با همجاری‌ها

نمودار ۵- رتبه‌بندی مؤلفه‌های شاخص‌های متغیر توسعه معماری میان‌افزا براساس ضرایب فریدمن (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

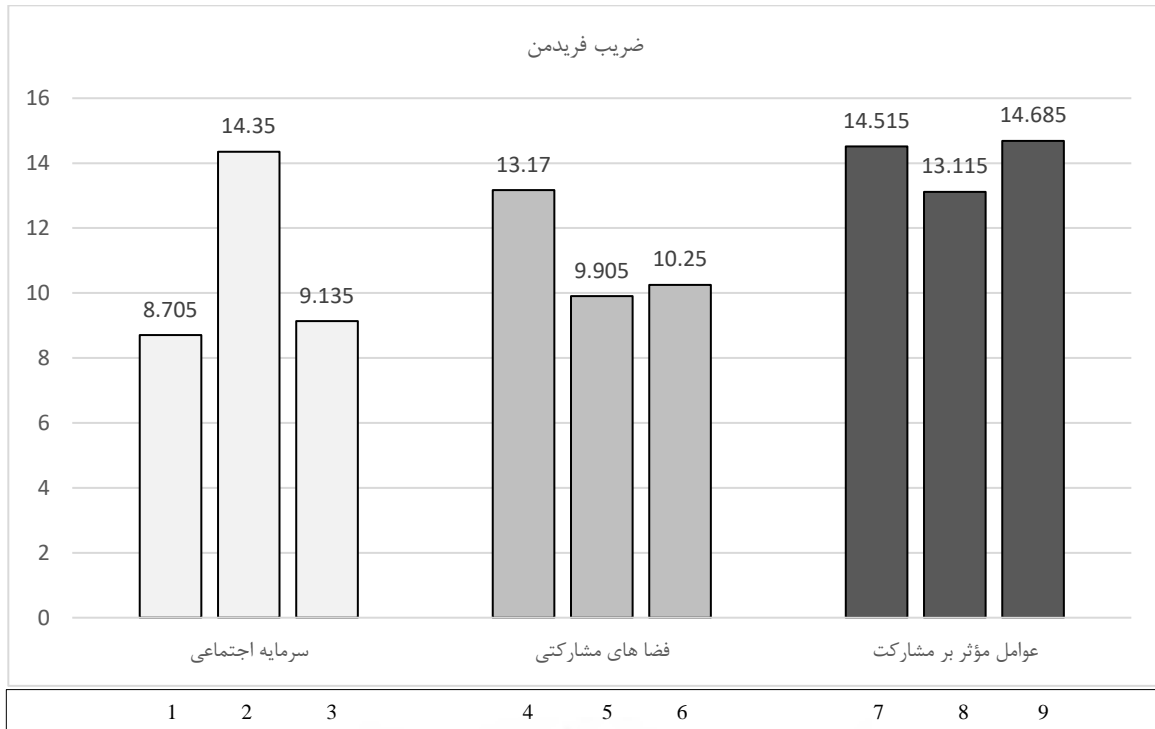
جدول ۱۱- ضرایب فریدمن برای متغیر مشارکت اجتماعی (نگارندگان).

ابعاد	مؤلفه	گویه	میانگین رتبه	میانگین هر مؤلفه	میانگین شاخص
سردایه اجتماعی	مشارکت	به چه میزان حاضر به مشارکت در فعالیت‌های مجموعه جهت رفع نیازهای جمعی ساکنین محله هستید؟	۹.۰۹	۸.۷۰۵	۱۰.۷۳
		به چه میزان حضور و مشارکت در فعالیت‌های مجموعه منجر به افزایش حس رضایتمندی در شما می‌شود؟	۸.۳۲		
	اعتماد	به چه میزان از اثرگذاری مشارکت خود در فعالیت‌های شهری و محله به‌ویژه در مجموعه موردنظر اطمینان دارید؟	۹.۲۱	۱۴.۳۵	
		به چه میزان به تصمیمات مدیران شهری در تأسیس و احداث مراکزی نظیر مجموعه مذکور اعتماد دارید؟	۱۰.۲۸		
	هنجار	به چه میزان توجه به فرهنگ بهره‌وران ، به جهت ارتقاء رضایتمندی از فضای مجموعه ، در تصمیمات موردتوجه بوده است؟	۹.۱۷	۹.۱۳۵	
		به چه میزان مجموعه در راستای ایجاد و افزایش رفتارها و فرهنگ‌های مطلوب در محله موفق بوده است؟	۹.۱۰		
فضاهای مشارکتی	حس تعلق به مکان	به چه میزان به فضاهایی که خود مردم در مجموعه ایجاد نموده‌اند علاقمند هستید؟	۸.۰۲	۱۳.۱۷	۱۱.۱۰
		به چه میزان در اجرای برنامه‌های این مجموعه مؤثر بوده‌اید؟	۱۰.۳۰		
	مبدل نمودن عینیت به ذهنیت در کالبد انسان‌ساخت	به چه میزان فضای مجموعه را هماهنگ با فضای ایده‌آل مجسم در ذهن خود می‌دانید؟	۱۰.۸۰	۹.۹۰۵	
		به چه میزان کیفیت مطلوب فضای مجموعه در افزایش ساعات حضور شما مؤثر می‌باشد؟	۹.۰۱		
	ارتقاء حس مطلوب در کاربر توجه شده است؟	به چه میزان در مجموعه به خلق و ایجاد فضای جدید جهت ارتقاء حس مطلوب در کاربر توجه شده است؟	۱۰.۲۶	۱۰.۲۵	

		۱۰.۲۴	به چه میزان از پدیده‌های متنوع بصری به سبب جذب مخاطب در محیط مجموعه بهره‌گیری شده است؟	ایجاد سرزندگی در مکان	
۳۲.۵۲	۱۴.۵۱۵	۹.۱۵	به چه میزان حضور و در کنار یکدیگر قرار گرفتن اعضای محله و روابط مستحکم میان آن‌ها در پیشبرد اهداف توسعه مجموعه و محله مؤثر بوده است؟	همبستگی اجتماعی	عوامل مؤثر بر مشارکت
		۱۰.۷۳	به چه میزان توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری به محله شما سبب افزایش توجه و حضور شما در مجموعه و محیط شده است؟		
	۱۳.۱۱۵	۸.۵۳	به چه میزان احساس می‌کنید که مجموعه و محل متعلق به شما و شما متعلق به مجموعه و محل هستید؟	حس تعلق مکانی	
		۹.۱۷	به چه میزان مجموعه در افزایش خاطرات و ادراکات ذهنی شما موفق عمل کرده است؟		
	۱۴.۶۸۵	۹.۷۵	به چه میزان مجموعه در راستای تقویت هویت تاریخی و اجتماعی محله گام برداشته است؟	هویت‌بخشی	
		۹.۸۷	هنگام استفاده و حتی مواجهه با مجموعه به چه میزان از فرهنگ، ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی محله خود یاد می‌کنید؟		



نمودار ۶- رتبه‌بندی شاخص‌های متغیر مشارکت اجتماعی براساس ضرایب فریدمن (نگارندگان، ۱۳۹۸).



۱- مشارکت	۲- اعتماد	۳- هنجار
۴- حس‌تعلق به مکان دست‌ساز انسانی	۵- مبدل نمودن عینیت به ذهنیت در کالبد انسان‌ساخت	۶- ایجاد سرزندگی در مکان
۷- همبستگی اجتماعی	۸- حس‌تعلق مکانی	۹- هویت‌بخشی

نمودار ۷- رتبه‌بندی مؤلفه‌های شاخص‌های متغیر مشارکت اجتماعی براساس ضرایب فریدمن (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

۵- نتیجه‌گیری

به طور خلاصه توسعه میان‌افزا به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود در سطح شهر برای رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است و همه ساختارهای اجتماعی ، کالبدی ، سیاسی و اقتصادی را برای رسیدن به تعادل کیفی و کمی و پایدار ارتقا می‌دهد. بهترین راه به‌منظور نیل به توسعه معماری میان‌افزا ایجاد فضاهایی جدید در بافت‌های فرسوده است که در این راستا دو راهکار کلی مطرح می‌شود ؛ ۱- خلق و ایجاد فضاهای جدید ، ۲- بازسازی بناها و فضاهای موجود. با درنظر داشتن مطالب فوق می‌توان به طرحی دست یافت که جمعیت را به نقاط متروکه و بافت فرسوده شهر برگرداند. مشارکت اجتماعی شامل برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آنان برای پاسخ‌گویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است و می‌توان آن را در سه سطح ذهنی و عینی و روحیه مشارکتی مطرح نمود. بنابر نتایج حاصل از آزمون فریدمن رتبه‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌های متغیرها میسر می‌باشد. در ذیل به بیان مؤثرترین و کم‌اثرترین مؤلفه‌ها در هر دو متغیر به‌صورت جداگانه می‌پردازیم ؛

جدول ۱۲- مؤثرترین عوامل (مؤلفه‌های مذکور مربوط به همان شاخص‌های عنوان شده در جدول می‌باشند) (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

متغیر	شاخص	مقدار	مؤلفه	مقدار
توسعه معماری میان‌افزا	کارکردی - عملکردی	۳۶.۹۷	وضعیت موجود محله	۱۶.۸۱۵
	عوامل مؤثر بر مشارکت	۳۲.۵۲	هویت-بخشی	۱۴.۶۸۵

نتایج محاسبات حاکی از موفقیت مجموعه مورد مطالعه در جلب رضایت افراد در رابطه با کاربری جدید و هماهنگی عملکرد آن با سایر فعالیت‌های موجود در محله و همچنین موفقیت مجموعه در جهت ایجاد هویتی جدید در راستای تکمیل هویت قدیم محل و بنا می‌باشد.

جدول ۱۳ - کم‌اثرترین عوامل (مؤلفه‌های مذکور مربوط به همان شاخص‌های عنوان شده در جدول می‌باشند) (نگارندگان ، ۱۳۹۸).

متغیر	شاخص	مقدار	مؤلفه	مقدار
توسعه معماری میان‌افزا	اجتماعی - اقتصادی	۹.۹۹	قابلیت مالی	۹.۱۸۵
	مشارکت اجتماعی	۱۰.۷۳	مشارکت	۸.۷۰۵

نتایج فوق حاکی از آن است که مجموعه‌ی مورد مطالعه در جذب مشارکت مردم در انجام فعالیت‌ها و ایجاد افزایش گردش مالی در محل و قدرت اقتصادی افراد، نسبت به سایر موارد قدری ضعیف عمل نموده است.

با توجه به مطالعات انجام شده و با در نظر گرفتن همبستگی توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی و با استناد بر نتایج حاصل از محاسبات، در پاسخ به پرسش پژوهش و در مقام بررسی و تکمیل فرضیه می‌توان بیان نمود: مؤلفه و گویه‌های عنوان شده برای توسعه معماری میان‌افزا، به‌عنوان عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت اجتماعی، به‌وسیله؛ درآمدزایی، یاری گرفتن از مردم (به‌ویژه همسایگان)، هماهنگی با فرهنگ محیط و در عین حال ایجاد و ترویج فرهنگ‌های مطلوب، هماهنگی با کاربری قدیم بنا و محله، تکمیل فعالیت‌های موجود در محله، ایجاد پتانسیل‌های جدید، توجه به بافت پیرامون، توجه به اصالت تاریخی محل و بنا، ارتباط مؤثر و کارا با همسایگی‌ها و به‌ویژه تأمین نیازهای کاربران، در افزایش حس همکاری و استفاده از توانایی‌های بالقوه افراد مؤثر بوده و افزایش مشارکت اجتماعی را سبب می‌شود.

بنابر جدول، در نمونه‌ی مورد مطالعه تأثیرگذارترین شاخص متغیر توسعه معماری میان‌افزا، کارکردی - عملکردی و مؤلفه وضعیت موجود (محله) می‌باشد. در واقع تأمین نیازهای افراد با توجه به کاربری‌های موجود و تکمیل و پروراندن آن‌ها در فرایند پروژه بسیار مؤثر بوده و با تحریک احساسات درونی افراد و جلب توجه و اعتماد آن‌ها (همکاری در جهت رفع نیازهای خودشان) بیش از سایر عوامل اسباب افزایش مشارکت اجتماعی را فراهم می‌نماید. از طرفی عواملی وجود دارند که میان متغیرهای توسعه معماری میان‌افزا و مشارکت اجتماعی مشترک بوده و از این‌رو در راستای هم عمل نموده و تأثیرگذاری زیادی دارند.

در مشارکت اجتماعی، شاخص عوامل مؤثر بر مشارکت، مؤلفه‌ی هویت‌بخشی، گویه‌ی توجه به هویت تاریخی محل بیشترین اثرگذاری را در مجموعه مورد مطالعه داشته و با گویه‌ای با همین عنوان از مؤلفه‌ی اصالت تاریخی، شاخص کالبدی - محیطی از متغیر توسعه معماری میان‌افزا مشترک بوده و اثرگذاری مناسبی در تحقق توسعه معماری میان‌افزا در جهت افزایش مشارکت اجتماعی دارد. پس از موارد فوق گویه‌هایی نظیر حس تعلق (که در میان هر دو متغیر مشترک بوده و مرتبط با هویت‌بخشی است و در رده‌ای پایین‌تر از آن قرار دارد) مؤثر خواهند بود.

تشکر و قدردانی

سپاس از مسئولین و اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین که محیطی پویا را جهت انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی فراهم آورده‌اند، به‌ویژه جناب آقای دکتر سهیلی که در فرایند نگارش پایان‌نامه و مقاله حمایت و راهنمایی بی‌دریغشان را مبذول داشتند.

مراجع

۱. احمدی، زینب. (شهریور ۱۳۹۶). بررسی تأثیرات مشارکت اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده‌ی شهری در ایران. دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین پژوهشی و آموزشی عمران، معماری، شهرسازی و محیط زیست ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ارجمندعباسی، پریسا. (۱۳۸۷). امکان‌سنجی توسعه درون فضایی در ایران به کمک ابزار GIS نمونه موردی: محله ده‌ونک. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
۳. اسمعیل‌پور، نجما؛ رحیمیان، محمدحسن و قربانی، سحر. (زمستان ۱۳۹۱). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛ مطالعه موردی محله کشتارگاه در شهر یزد. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال چهارم. شماره پانزدهم: ۱۴۰-۱۲۳.
۴. بنی‌هاشمی، ام‌هانی؛ سرور، رحیم و یوسف‌علی، زیاری (۱۳۹۲). توسعه میان‌افزا در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: محله خانی‌آباد تهران). سرزمین. سال دهم. شماره ۴۰. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۵. پاتریک، جی‌بویل. (۱۳۷۴). برنامه‌ریزی در فرایند توسعه. ترجمه علامرضا احمدی و سعید شهبابی. تهران: قفونوس.
۶. پرویزی، الهام؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (بهار و تابستان ۱۳۹۵). شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت‌های با ارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی (نمونه موردی بافت تاریخی عودلاجان محله امامزاده‌یحیی(ع)). مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی). سال ششم. شماره ۱۱: ۶۵-۷۶.
۷. پوراحمد، احمد و عبادی، جاوید (اسفند ۱۳۷۹)، نقش اکولوژی اجتماعی در بافت قدیم شهری، پژوهش‌های جغرافیائی، شماره ۳۹، ۹۳-۱۰۳.
۸. پوراحمد، احمد و اکبرنژادبایی، رمضان. (پائیز ۱۳۹۰). هرم بازآفرینی بافت تاریخی شهری با استفاده از مدل SWOT (نمونه موردی، بافت تاریخی شهر بابل). فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس. سال سوم. شماره ۹.
۹. پوراحمد، احمد؛ زنگنه شهرکی، سعید و آروین، محمود. (پائیز ۱۳۹۴). شناسایی ظرفیت‌های بافت کالبدی به‌منظور توسعه میان‌افزا با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری ترکیبی و GIS (مطالعه موردی: شهر اهواز). جغرافیا و پایداری محیط. شماره ۱۶: ۱۷-۳۷.
۱۰. پوراحمد، احمد؛ خادمی، امیرحسین و ضرغام‌فرد، مسلم. (پائیز و زمستان ۱۳۹۵). بررسی عوامل و زمینه‌های موجود برای افزایش مشارکت مردمی در فرایند احیای بافت فرسوده منطقه ۴۱ شهرداری تهران. شماره پیاپی ۵. ۱۲۷-۱۳۹.
۱۱. پورموسوی، سیدموسی؛ ناصرمستوفی، انوشیروان و شکوهی‌بیدهندی، محمدصالح. (۱۳۹۳). شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال ششم. شماره ۴.
۱۲. چلبی، مسعود. (۱۳۸۸). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۳. حجت، عیسی. (زمستان ۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری). دوره ۲۴. شماره ۰. شماره پیاپی ۱۰۱۰.
۱۴. خاک‌زند، مهدی و مختاری، مژده. (۱۳۹۴). توسعه میان‌افزا، رویکردی در طراحی شهری پایدار. کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی (دبی).
۱۵. رهنما، محمدرحیم و رضوی، محمدمحسن. (تابستان ۱۳۹۱). بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا). دوره هفدهم. شماره ۵۰: ۲۹-۳۶.

۱۶. سعیدی‌رضوانی، نوید؛ داودپور، زهره؛ فدوی، الهام و سرور، رحیم. (۱۳۹۲). کاربرد اصول توسعه میان‌افزا در بهبود فضایی - عملکردی بافت‌های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران). جغرافیا. سال یازدهم. شماره ۳۶.
۱۷. شریفیان، احسان. (۱۳۸۹). توسعه میان‌افزا بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی شهر. منظر. شماره ۱۰.
۱۸. شمتوب، سوگل؛ روان‌بد، طاهره و ترکمان، احمد. (۱۳۹۶). نقش مشارکت و تعاملات اجتماعی بر ایجاد فضاهای شهری (نمونه: تالار شهر)، سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
۱۹. صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. چاپ دوم. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۲۰. عبدالله‌پور، نسترن و سهیلی، جمال‌الدین. (پائیز ۱۳۹۶). ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار عوامل کالبدی مشارکت اجتماعی در معماری مجموعه‌های اردوگاهی دانش‌آموزی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال نهم. شماره ۴: ۶۹-۸۲.
۲۱. عظمتی، حمیدرضا؛ میری، سیده‌لعیا و پورباقر، سمیه. (بهار ۱۳۹۵). عوامل فیزیکی مؤثر بر ارتقاء سرزندگی در باززنده‌سازی فضاهای متروکه شهری. تهران: کنفرانس بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی.
۲۲. علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). جلد اول. تهران: سازمان شهرداری‌ها.
۲۳. علی‌الحسابی، مهران و یوسف‌زمانی، مهرداد. (پائیز ۱۳۸۹). فرآیند طراحی معماری، تعامل میان طراح و بهره‌بردار - مدل‌یابی مشارکت در طراحی مسکن‌های شخصی‌ساز. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا). شماره ۴۳: ۳۱-۴۲.
۲۴. علی‌پور، روجا و خادمی، مسعود. (۱۳۹۰). تأثیر ساختارهای میان‌افزا بر تحریک نوسازی در بافت‌های فرسوده. منظر. شماره ۱۴.
۲۵. فیروزآبادی، سیداحمد و ایمانی‌جاجرمی، حسین. (۱۳۸۵). سرمایه‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان‌شهر تهران. رفاه اجتماعی. شماره ۲۳: ۱۹۷-۲۲۴.
۲۶. قادریان، مسعود. (۱۳۹۶). چهارچوب توسعه میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (بررسی موردی: دستور کار طراحی سایت ایلچی‌خان در بافت تاریخی یزد. نامه معماری و شهرسازی: ۹۳-۱۱۲).
۲۷. قاسمی، وحید و نگینی، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال دوم. شماره هفتم: ۱۱۳-۱۳۶.
۲۸. قندهاری، محمد. (مهر ۱۳۹۷). بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر نوسازی بافت فرسوده نمونه موردی شهر قم. معماری‌شناسی (نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران). سال اول. شماره ۱.
۲۹. کوئن، بروس. (۱۳۷۰). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. فرهنگ معاصر.
۳۰. گلایی، فاطمه و اخشی، نازیلا. (پائیز ۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی. شماره ۵۹: ۱۳۹-۱۶۰.
۳۱. گلکار، کوروش. (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران.
۳۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ ششم. تهران: مرکز.
۳۳. مافی، عزت‌الله و نامور، حمید. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعه و مدیریت شهری. دومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی پایدار ایران.
۳۴. میرمقتدایی، مهتا؛ رفیعیان، مجتبی و سنگی، الهام. (۱۳۸۹). تأملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری. شهرداری‌ها. سال دهم. شماره ۹۸.
۳۵. وینسترا، گری. (۱۳۸۴). سرمایه‌های اجتماعی، تندرستی و نابرابری. مجموعه مقالات سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسین پویان. تهران: شیرازه.
36. Alexander, C. (1977). A pattern Language. New York: Oxford University press.
37. Breheny, M.J. (2006). Sustainable Development and Urban Form. Pion, London.
38. Christensen, A.J. (2005). Dictionary of landscape architecture and construction. New York: McGraw-Hill.
39. Corrêa Cavalieri, Irene & Almeida, Helena. (March 2018). Power, Empowerment and Social Participation-the Building of a Conceptual Model. European Journal of Social Sciences Education and Research vol.12(1), p189-199.
40. Cox, James. (2010). Immigrant Assimilation, Trust and Social Capital. Forschungsinstitut, zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor, Discussion Paper No. 5063, Bonn Germany.
41. Falconer & Frank. (1990). Sufficiency of Infrastructure Capacity for Infill Development. Journal of Urban Planning and Development, Vol.116, No.3.
42. Fukuyama, F. (2002). Social Capital and Development: the Coming Agenda. SAIS Review. 22(1):23-37.
43. Lowe, et al. (1999). Participation in rural development. Center for rural economy.
44. Northeast_Midwest Institute & Congress for the New Urbanism (2001). Strategies for Successful Infill Development. U.S. Environmental Protection Agency.
45. Rossi, A. (1982). The Architecture of the City. Cambridge, Massachusetts: the MIT press.
46. Sanoff, Henry. (2000). Community Participation Methods in Design and Planning. New York: John Wiley & Sons.
47. SEMKEN, S., & FREEMAN, C. B. (2008). Sense of Place in the Practice and Assessment of Place-Based Science Teaching. Science Education 92, pp: 1042-1058. DOI 10.1002/sce.20279.
48. Sendich, E. (2006). Planning and Urban Design Standards. American Planning Association, John Wiley & Sons.
49. Strategies for successful infill development (2001). Washington, D.C: Northeast - Midwest Institute, Congress for the New Urbanism.
50. Vahida, F. & Niazi, M. (2004). The Relationship between Family Structure and Social Participation in Kashan. Social Science Letter.No, 23.119. [Persian].

51. Washington Research Council (2001). Accommodating Growth Through Infill development. e P B 01-9 March 27, www.researchcouncil.org.
 URL1. <https://www.google.com/maps/place/آرامگنا+بید+بید+زیبید++تون/>

